

سلسله دروس خارج

# اصول فقہ

بہت وضع

جلسہ :

۶۲

تاریخ :

۱۹ / ۱۱ / ۱۳۶



«وضع» را حتی اطفال و مجانین نیز انجام می دهند

در حالی که «جعل علامیت» در عالم اعتبار ← امر دقیق و خارج از فهم عرف است

و عرفا با نصب عَلم بر سر فرسخ، متفاوت است

(۲)

اشکال اول

مرحوم خوئی

**جواب نقضی :**

معنای «انشاء» و معنای «حرفی» از امور دقیقه ای است که بسیار اختلافی است

ولی عرف استعمال می کند

جواب برخی از

بزرگان

دو بحث وجود دارد :

۱. استفاده از «امور دقیقه» توسط عرف (← کلام منتقی الاصول)

۲. ایجاد «امور دقیقه» توسط عرف (← محل بحث ما)

ما می گوئیم

«اعتبارات عقلایی و جعل های اعتباری» از امور دقیقه نیستند.

(کاری که عقلاء همواره انجام می دهند ← تملیک ها ، تملک ها و ..)

نکته کلیدی ← تفسیر محتاج دقت است ولی ایجاد محتاج دقت نیست



وضع الفاظ از سنخ وضع عَلم نیست

وضع علم ← سه رکن دارد :

۱. موضوع (عَلم)      ۲. موضوع له (دلالت)      ۳. موضوع علیه (مکان)

وضع الفاظ ← دو رکن دارد :

۱. موضوع (لفظ)      ۲. موضوع له (دلالت)

(۳)

اشکال دوم  
مرحوم خوئی

مرحوم اصفهانی :

«وضع اللفظ علی المعنی لیكون علامة علیه» ← موضوع علیه است

مرحوم خوئی :

«معنی» ← موضوع له است نه موضوع علیه

نکته

الف. اشکال اول :

در وضع اعلام ← سه رکن وجود دارد

در وضع الفاظ ← دو رکن وجود دارد

ب. اشکال دوم :

«معنی» موضوع له است نه موضوع علیه

بازگشت اشکال

مرحوم خوئی

به دو اشکال

**اولا** : در وضع «الفاظ» هم سه رکن وجود دارد:

**لفظ + معنی + دلالت لفظ بر معنی**

(معنی، در کلام آقای خوئی نیامده است)

**ثانیا** : مرحوم خوئی «موضوع له» را بر دو چیز اطلاق کرده اند:

۱. **دலالت لفظ بر معنی**      ۲. **معنی**

**ثالثا** : هیچ فرقی بین علامیت لفظ و علامیت خارجی وجود ندارد:

۱. معنایی تصور می شود ← «موضوع علیه»

۲. لفظ یا علامتی بر آن گذاشته می شود ← «موضوع»

۳. انتقال از لفظ یا علامت به معنی (= دلالت) ← «موضوع له»

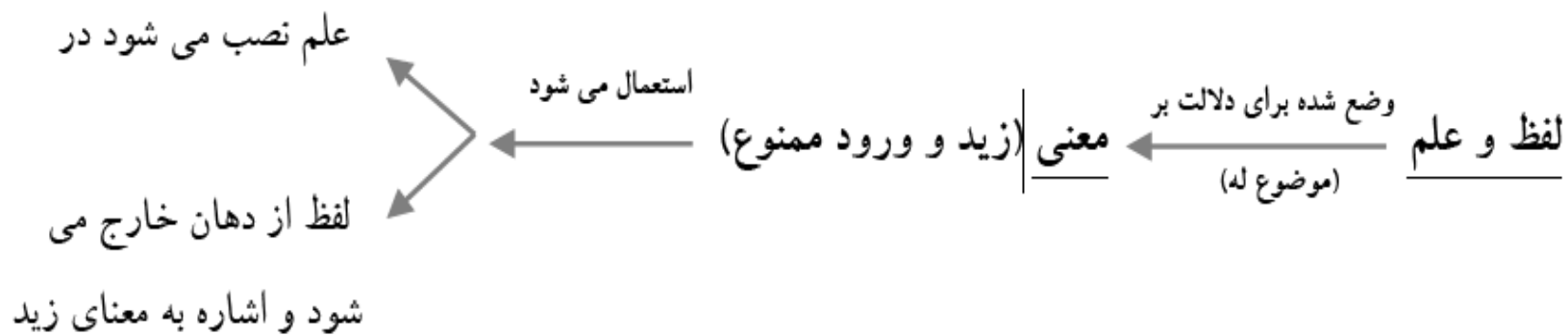
۴. تلفظ لفظ یا نصب علامت ← «استعمال»

جواب

اشکال اول



## نتیجه جواب اشکال اول



**اولا:** مرحوم خوئی، خود معنی را موضوع له نمی داند بلکه «دلالت لفظ بر معنی» را موضوع له می داند

**ثانیا:** کلام مرحوم خوئی درست است که می فرمایند: معنی، موضوع له نیست (بلکه موضوع علیه است) ولی عرف در این موارد که محتاج دقت است اشتباه می کند

**ثالثا:** اگر «لام» در «موضوع له» را برای «اختصاص» بگیریم می توان به معنی، «موضوع له» گفت.

جواب  
اشکال دوم